

حال الهام گرفتن از آن است.

### بیشتر از همه کدام ویژگی در بازیگری سیما تیرانداز دلیل انتخاب‌شان برای این نقش بود؟

تجربه همکاری من با سیما تیرانداز به نمایش‌های قبلی من باز می‌گردد و توانمندی‌های حرفه‌ای ایشان در زمینه اجرا برای یک نمایش در سبک تعاملی اهمیت ویژه‌ای داشت. تیرانداز بازیگری ارگانیک است که هم در ذهن و هم در احساس و بدنش یک نقش را باز آفرینی می‌کند. توانایی‌های فنی ایشان در ارتباط با مخاطب و تسلط کافی در این مقوله برای نمایش بسیار حیاتی بود. ببینید نمایش ما یک مستند اجتماعی است و نیاز به قابلیت‌های اجرایی ویژه‌ای دارد، چه در حرکات فیزیکی و چه در چرخش‌های حسی. در این نمایش احساسات متناقضی در یک بازه زمانی کوتاه باید توسط بازیگر ارائه شود. ورود از یک فضای شوخی و خنده به لحظه‌ای تراژیک و حزن آلود که گاهی گریه بدنبال دارد در چشم به هم زدن رخ می‌دهد. ما این تضادهای حسی را حتی در انتخاب موسیقی‌هایی که در طول اجرا و در پایان آن ارائه می‌کنیم در نظر گرفته‌ایم. به عنوان مثال در حالیکه پایان نمایش مخاطب را در یک فضای ذهنی و حسی متفاوت فرو برده است، قطعه موسیقی پایانی که توسط امیر عظیمی اجرا می‌شود کاملاً حال و هوای مخاطب را تغییر می‌دهد. این نمایش مؤلفه‌های تئاتر پست مدرن را دارد و در حوزه شش‌گانه شناختی حسی، احساسی، عاطفی، منطقی، فلسفی و تمثیلی موضوع و مخاطب را به چالش می‌کشد. ما بدنبال تئاتر بی‌درد نیستیم در همین راستا ما تماشاگر را در انتهای کار با یک سؤال جدی در ذهنش بدرقه می‌کنیم که با بسته شدن درهای سالن نمایش برای مخاطب پاسخ دادن به آن سؤال دغدغه می‌شود.

### از واژه بازیگر ارگانیک استفاده کردید ممکن است برای هنر دوستان این واژه رو تعریف کنید؟

نوعی از بازیگری تکنیکی است که نیاز به استعداد، علاقه‌مندی، ممارست و تمرین زیاد دارد. خصوصاً آنکه در این سبک باید بازیگر فضاهای بکری را که از درونش متولد می‌شود را به سمتی سوق دهد که این زمینه‌ها با قدرت ذهن آمادگی همراهی داشته باشد. در این سبک فضای خلاقانه و متفاوت در هر اجرا ممکن است ایجاد شود که با بداهه پردازی بازیگر ارتباط مستقیم دارد. این مسئله نیاز به

ذهنی آماده و سازمان یافته دارد که تمام تجربیات از شش در پیچه شناختی را در خودش جای داده و دسته‌بندی کرده باشد تا در جای مناسب از آن بهره بگیرد. این سبک لحن بازیگر را از نظر فیزیکی زبانی، گفتاری به لحن پیوسته‌ای تبدیل می‌کند تا بتواند با تماشاگر همذات‌پنداری کند و ارتباط نزدیکی را میان بازیگر و تماشاگر بوجود بیاورد یکی از مهمترین اتفاقات در این سبک نمایشی همین تعامل و ارتباط گیری دوسویه بازیگر و تماشاگر است. شیوه‌های نوین بازیگری، بازیگر و کارگردان را به سمت عصب‌شناسی و نورولوژی سوق می‌دهند و این نوع تجربه جدید جهانی فرم‌های مختلفی را در فضای بازیگری و کارگردانی بوجود می‌آورد که هم در هدایت بازیگر و هم در زمینه تسهیل‌گری ارتباط با بازیگر در فضای کارگردانی تأثیرگذار است و همچنین هنرمند را به مرحله‌ای از بازیگری می‌رساند که همچنان که در ارتباط ویژه و صمیمی با مخاطب است اما در عین حال در حال اجرای اوج تکنیک‌های هنری خود هم می‌باشد.

### مدت زمان زیادی است که در عرصه تئاتر ایران فعالیت می‌کنید روند رشد مخاطب تئاتر را در مسیر تماشاگر حرفه‌ای بودن و در نهایت پیشتر لذت بردن و درک کردن سبک‌های مختلف اجرا چطور ارزیابی می‌کنید؟

مخاطب تئاتر در ایران بسیار فهیم است و موقعیت تئاتر را درک می‌کند. شاید بارزترین ویژگی مخاطب ایرانی تئاتر این باشد که در هر موقعیتی سعی در سازگاری خودش دارد و جدا از این، چالش‌های موجود برای گروه‌های اجرایی را نیز درک می‌کند. در اجرای ما، حتی قبل از ورود تماشاگران به سالن تکلیف ما با آنها روشن می‌شود و مخاطب می‌داند که به عنوان مخاطب این نمایش چه چالشی در انتظار اوست و نهایت همکاری را با اجرا دارد. این ایمان به مخاطب همیشه برای ما الهام بخش و دلگرم کننده بوده است.

### آیا پاسخ و واکنش‌های احتمالی تماشاگران را در حین تمرینات شبیه‌سازی کرده بودید؟

بله این اتفاق به یقین در طول تمرینات رخ می‌دهد و شبیه‌سازی انجام می‌شود و فرم‌های مختلف را ما در طول تمرینات شبیه‌سازی در نظر می‌گیریم اما حقیقتاً تماشاگران بسیار فهیم هستند و بسیار به ندرت پیش می‌آید که مخاطب خارج از موضوعات حرفی بزند یا اکتی انجام دهد. از طرفی به نوعی این تبحر اجرایی ما است تا آنچه را که می‌خواهیم در درون تماشاگر دنبال کنیم و درست به همین دلیل است که باید در انتخاب‌های مان دقت کنیم. در توانمندی عواملی مانند بازیگران دقت کنیم و گروهی را جمع کنیم که این گروه متناسب با این سبک اجرایی باشد. مسلماً اگر این اتفاق نیفتد اجرا لطمه می‌بیند و البته در برخی اجراها گروه‌های اجرایی تعدد مسیری متفاوت را برمی‌گزینند. آنها در تعامل با تماشاگر و در طول اجراهای پی در

پی به تغییراتی می‌رسند اما من طبق تجربیاتی که دارم علاقه‌مند هستم تا در مقیاس تعریف شده‌ای حرکت کنیم که از پیش تعیین و فکر شده باشد و در همان چارچوبی که ساختار اثر بر آن بنا نهاده شده بمانیم. ببینید ما جامعه‌ای مملو از حرف هستیم و حرف‌های مکتوم و ناگفته شده زیادی داریم و چون فضای گفتگو در جامعه ما به حداقل ممکن رسیده است باید اجازه داد تماشاگر بر اساس میل و نیازش حرف‌های خود را مطرح کند. اما این حرف‌ها باید در جهت پیشبرد داستان نمایشی باشد و پیشنهادی که ما به تماشاگر داده‌ایم این است که، ما یک موضوعی را مشخص می‌کنیم و داستانی مطرح می‌شود و مخاطب در جهت پیش برد داستان نظرش را مطرح و گفتگو را ایجاد کند و حتی جاهایی ما فرصت می‌دهیم که تماشاگران با هم نیز گفتگو کنند و این تعامل تنها میان تماشاگر و عوامل نمایشی محدود نشود. به همین خاطر است که فکر می‌کنم اکسیر گمشده زمانه ما حرف است و حرف زمینه گفتگو و تعامل است. اگر بخواهیم که گفت و گو شکل بگیرد باید پای خیلی چیزها بایستیم و اگر صبوری لازم در گفت‌وگو فر هنگی را نداشته باشیم این نبود گفت و گو می‌تواند تبدیل به خشم شود و خشم هم می‌تواند نظم اجتماعی را به هم بریزد.

### در نمایش از شیوه آشناسازی استفاده کردید کمی در مورد علت انتخاب این شیوه برای اجرا برای مان بگویید؟

بله یکی از عناصر مهم در اجرای ما بی‌شک آشناسازی می‌باشد. آشناسازی زبانی در برابر آشناسازی سازی است که شکل می‌گیرد. ما قصد ساخت یک تئاتر بی‌درد و سانتیمانتال را نداریم و اساساً اجرا تمایلی برای حرکت به این سمت ندارد پس باید مفاهیمی را مطرح کند که در ادامه روایتگری به تعریف تازه‌ای برسد، که این همان آشناسازی زبانی است. آشناسازی زبانی برای غبارزدایی از مؤلفه‌های گذشته‌نگر است که این بار همان مؤلفه‌ها با تعاریف و روایت‌های جدیدی از زاویه دید نگاه متفاوتی به چالش کشیده می‌شود. قصد ما نیز همین بسط و غبارزدایی از مفاهیم کلی بود که در نتیجه درست در همین موقع تکنیک آشناسازی زبانی به کمک مان آمد. ما با این تکنیک تماشاگر را به داشتن نگاهی متفاوت تر به مفاهیم گذشته دعوت می‌کنیم و او را در شرایطی قرار می‌دهیم که با مفاهیم جدید روبه‌رو شود. و به تعریف تازه‌ای دست یابد و اینجا همان زمینه پژوهشی و مطالعاتی است که ما داریم. در ابتدا به کل یک موضوع می‌پردازیم و روی آن کار می‌کنیم و از دریچه وجودی نظر و فکری خودمان عبور می‌کنیم تا سوالات و چالش‌هایی را در ذهن مخاطب ایجاد کنیم که پرسوسه رسیدن به پاسخ‌ها برای او به بسط و گسترش حوزه نفوذ نمایش ما می‌انجامد و این یکی از اهداف ما در ساخت یک نمایش با چنین مضمونی به شیوه اجرایی تعاملی است. بعد از دیدن این نمایش، تماشاگر دیگر با دیدن یک ماشین خواب یا کارتن خواب براحتی از کنارش عبور نمی‌کند و حتی نه صرفاً با احساس ترحم، بلکه این بار داستانی از زندگی حقیقی این افراد در پس ذهن و احساس او در این مواجهه وجود دارد و او به تعریف تازه‌ای از این موضوع رسیده است که برای رسیدن به جواب‌های درست برای پرسش‌هایش کمک خواهد کرد.

### توصیه‌ای برای کارگردان‌های جوانی که علاقه‌مند به تجربه سبک تعاملی در تئاتر هستند دارید؟

واقعا کار مستند نمایشی یک کار پژوهشی و بسیار جدی و سخت است که با توجه به ضرورت‌هایی که در کشور وجود دارد و فضاهای نظارتی پیچیده‌ای که هست، بدون شک هر چقدر زمینه پژوهشی اثر عمیق تر و جدی تر باشد می‌تواند به کار و تسلط کارگردان بیشتر کمک کند. مطالعه، پژوهش، بخصوص پژوهش‌های میدانی برای رسیدن به یافتن گزیننه‌های خلاقانه بسیار کمک کننده است و می‌تواند به کارگردان در تألیف و پرداخت ایده‌اش موثر باشد. تصور من بر این است که این اتفاق باید رخ دهد و بدون شک رخ دادن آن کمک می‌کند زمینه گفت‌وگو در این کشور ایجاد شود اگر این سبک اجرایی در تئاتر کشور رواج پیدا کند ما شاهد کارهای خلاقانه‌ای در سبک تعاملی خواهیم بود که در توسعه فکری کشور و جامعه می‌تواند بسیار موثر باشد.

### رویا و آرزوی شما برای تئاتر ایران چیست؟

رویا و آرزوی من برای تئاتر ایران بسیار روشن است. اگر فهم اندیشمندانه و معرفتی از ماهیت هنر و تئاتر در ایران بوجود بیاید، تئاتر در هر نقطه از کشور می‌تواند کمک حال فکری مردم باشد و این میسر نمی‌شود مگر اینکه سیاست‌زدگی از فرهنگ رخت بر بندد و سیاست‌زده‌ها پایان خودشان را در هنر اعلام کنند تا یک رنسانس در هنر، بخصوص در تئاتر ایران بوجود بیاید.

